



گزارش کتاب «بررسی رویکرد ابن تیمیه درباره تعارض عقل و نقل»

مصطفی مهاجر*

کتاب «بررسی رویکرد ابن تیمیه درباره تعارض عقل و نقل» توسط جناب آقای «رحمت‌الله رضایی» در ارتباط با نقد ابن تیمیه در دو جلد نوشته شده و از سوی «انتشارات محبین» شهر قم، در سال ۱۳۹۹ش منتشر شده است. جلد اول، اختصاص به مباحث نظری «تعارض عقل و نقل» و جلد دوم، ناظر به مباحث کلامی است. جلد اول این کتاب در ۴۵۴ صفحه، متشکل از نه فصل و یک نتیجه می‌باشد و گزارشی که می‌خوانید، از جلد اول این کتاب است. این کتاب از دیدگاه نگارنده‌ی گزارش، کتابی بسیار ارزشمند برای محققین، در زمینه شناخت سخنان ابن تیمیه و نقد و بررسی آن می‌باشد؛ چراکه نویسنده محترم کتاب به‌خوبی مواضع ابن تیمیه را تبیین و نقد کرده است.

فصل اول: کلیات^۱

نویسنده در این فصل، مقدماتی را برای موضوع «تعارض عقل و نقل» ارائه کرده و در ادامه، به خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در فصل‌های کتاب پرداخته است. مؤلف نتیجه، اهمیت و هدف از موضوع تحقیق را نیز تبیین کرده است.

نویسنده ابتدا به قدمت زمانی بحث «تعارض عقل و نقل» از سده سوم اشاره کرده است. وی حوزه علمی بحث را بیشتر در حوزه عبادات و اعتقادات برجسته می‌داند، و بحث توحید در حوزه اعتقادات را از برجسته‌ترین مباحث نام می‌برد؛ چنان‌که عقل‌گرایان،

* کارشناسی ارشد موسسه مذاهب اسلامی، پژوهشگر مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام)

خدایی را که با ادله عقلی شناخته‌اند، باور دارند؛ ولی نقل‌گرایان به ظواهر دینی بسنده کرده و به‌کارگیری ادله عقلی را غیرمشروع می‌دانند.

مؤلف در ادامه، مسئله «تعارض عقل و نقل» را علت اصلی و بستر مذهبی بسیاری از نابسامانی‌های روزگار مطرح کرده است؛ چراکه ظاهرگرایان، مسلمانان مخالف خود را «ملحد» و عقل‌گرایان، مخالفان مسلمان خود را طرفدار تشبیه و تجسیم معرفی کردند، که نویسنده نمونه‌هایی را ذکر کرده است؛ ازجمله آنها تقسیم جغرافیایی زیست مسلمانان به «دارالکفر» و «دارالاسلام» می‌باشد. ازاین‌رو نویسنده انگیزه خود از نوشتن کتاب را پایان دادن به این نابسامانی و از بین بردن زمینه‌های مذهبی خشونت مطرح کرده است.

نویسنده در ادامه، دیدگاه‌های «تعارض عقل و نقل» را بیان کرده است:

الف) دیدگاه عموم متکلمان معتزلی و اکثر متکلمان اشعری، همچون غزالی و فخر رازی: دست کشیدن از ظواهر و التزام به مفاد ادله عقلی، به همراه ذکر ادله آن‌ها همچون: «عقل به عنوان مبنای اعتبار نقل، عدم قطعیت ادله نقلی، تالازم تقدیم نقل و تشبیه».

مؤلف به واکنش تند ابن تیمیه در برابر فخر رازی نیز اشاره کرده و می‌نویسد:

ابن تیمیه نه تنها ادله مخالفان خود را از نظر دینی و عقلی نقد می‌کند، بلکه آنان را مخالفان صریح نصوص دینی، اجماع قطعی و حتی اهداف بعثت پیامبر و همه پیامبران می‌پندارد و با ترفند تکفیر، فتوا به لزوم مبارزه با آنان و جواز قتلشان داده است.^۱

ب) ظاهرگرایی ابن تیمیه: در ادامه‌ی پیش‌فرض‌ها و استدلال‌های ابن تیمیه ذکر شده است.

مؤلف در ادامه به مباحث ذیل اشاره کرده است:

نتیجه تحقیق:^۲ نویسنده نتیجه‌ی تحقیق خود را دستاورد روشی مطرح کرده است. به باور وی نقد دیدگاه‌های مذهبی با رویکرد مذهبی، مانند ابن تیمیه موجب شعله‌ور شدن آتش اختلافات است؛ لکن اگر نقد از جایگاه فرامذهبی و با رویکردی منطقی و معقول باشد، می‌توان به کارآمدی مثبت آن امید داشت.

۱. ص ۲۶.

۲. ص ۴۶.

اهمیت موضوع:^۱ مؤلف یکی از اهمیت‌ها را به لحاظ کلامی و اعتقادی تبیین توحید صحیح دینی و مشروع ذکر کرده و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا توحید عقلی، توحید صحیح دینی و مشروع است یا توحید نقلی؟

دشواری‌های تحقیق:^۲ نویسنده پیچیدگی ابن تیمیه در سخنانش را از دشواری‌های تحقیق عنوان کرده است؛ چراکه سخنان وی را مانند دو امر متناقض شمرده که جمع میان آن‌ها و یافتن راه‌حلشان دشوار است.

فصل دوم: تبیین دیدگاه ابن تیمیه درباره قطعیت ادله نقلی^۳

نویسنده در ابتدای این فصل به مهم‌ترین ادعای ابن تیمیه که عبارت است از: «قطعی بودن ادله نقلی و در مقابل، ظنی بودن و بلکه باطل بودن ادله عقلی» پرداخته است، که نتیجه آن به هنگام تعارض، مقدم بودن ادله نقلی و اثبات صفاتی مانند صورت برای خداوند می‌باشد.

مؤلف در ادامه بیان می‌کند که ابن تیمیه برای اثبات مدعای خود، به مقدماتی نیازمند است، که عبارتند از:

۱. قطعیت ادله نقلی.

۲. قطعی نبودن ادله عقلی.

۳. توحید دینی و دیدگاه حد وسط.^۴ از آن‌جا که تفسیر ابن تیمیه همراه با نوعی تشبیه است، لذا راه‌حل ابن تیمیه تبیین نظریه حد وسط است. به باور او همه دیدگاه‌ها درباره توحید، منحصر در سه دیدگاه است: توحید، شرک و دیدگاه میانه. تنزیه کامل و نفی تمام صفات خبری به تنزل خداوند به موجود ذهنی و در نهایت به انکار هستی او منتهی می‌شود، که کفر و الحاد است و تشبیه کامل به شرک می‌انجامد. فیلسوفان راه اول، و مشبهه راه دوم را رفته‌اند. لذا توحید درست و دینی پندار ابن تیمیه، میانه این دو راه است.

۱. ص ۴۹.

۲. ص ۷۵.

۳. ص ۸۱-۱۱۸.

۴. ص ۸۳.

از این روی به ادله فضیلت نظریه وسط تمسک کرده و آن‌ها را بیانگر مشروعیت کامل دیدگاه خویش پنداشته است.

۴. انکار مجاز. ^۱ از آن جا که زبان دین در مواردی مجازی است، لذا ابن تیمیه با تمسک به عدم مشروعیت مجاز، تفسیر ظاهرگرایانه خود را مشروع نشان می‌دهد.

۵. تفسیر ظاهرگرایانه از صفات خبری، یگانه هدف از بعثت پیامبر و علت تام رستگاری انسان‌ها از منظر ابن تیمیه دانسته شده است.

به نظر مؤلف، برای اثبات مدعای ابن تیمیه در مورد قطعیت ادله نقلی، نمی‌توان به دلایل نقلی و عقلی استدلال کرد؛ چراکه استناد به ادله نقلی موجب دور و مصادره به مطلوب است، و استناد به ادله عقلی، برخلاف اصل مدعای ابن تیمیه است. ^۲

از این رو یگانه دلیل مهم ابن تیمیه بر قطعیت ادله نقلی، اجماع قطعی است، که باید از حیث سند و دلالت ثابت شود. نویسنده سپس به تعریف اجماع و معنای اهل سنت از منظر ابن تیمیه پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که اهل سنت از منظر ابن تیمیه، تنها اهل حدیث هستند و دیگر مسلمانان مانند اشاعره و ماتریدیه را نمی‌توان مسلمان واقعی یا اهل سنت دانست.

فصل سوم: تبیین دیدگاه ابن تیمیه درباره جایگاه عقل ^۳

از دیدگاه نویسنده، تعارض بین ادله عقلی با ادله نقلی امکان وقوع ندارد؛ چرا که: اولاً، ادله عقلی، ادله قطعی هستند، و ادله نقلی، ادله ظنی‌اند. لذا بدیهی است که ادله‌ی قطعی مقدم است.

ثانیاً، صفات خداوند از اصول اعتقادی می‌باشد که اصولاً ادله نقلی شأنیت ورود به این مباحث را ندارد.

بنابراین، تقدیم ادله نقلی موجب عقل ستیزی قطعی است، و این مانع مهمی بر سر راه ابن تیمیه شمرده می‌شود.

۱. ص ۸۵.

۲. ص ۸۸.

۳. ص ۱۶۰-۱۱۹.

نویسنده در ادامه به راه حل ابن تیمیه اشاره کرده است که در آن، میان اقسام معقولات، تمایز و تفکیک قائل شده است.^۱ مؤلف بر این باور است که ابن تیمیه عقل را مشترک میان چهار معنا می داند و این اقسام را از همدیگر تفکیک می کند. از این رو ابن تیمیه مدعی می شود که لازمه کنار گذاشتن ادله عقلی، کنار گذاشتن نقل شریعت نیست. لذا ابن تیمیه نه تنها دیدگاه خود را عقل ستیز نمی داند، بلکه مدعی می شود که تقدیم ادله عقلی بر نقلی موجب کنار نهادن هر دو نوع ادله، و در نهایت موجب کنار نهادن شریعت می شود، که بر اساس آن مستحق مجازات هستند. بنابراین، وظیفه منطقی و شرعی هر انسان مسلمانی، تسلیم بودن در برابر ادله نقلی و التزام به مفاد و محتوای آنهاست و آنانی که چنین التزامی ندارند، مانند فیلسوفان و متکلمان اشعری، از جمله غزالی و فخر رازی، از نگاه ابن تیمیه تنها در ظاهر مسلمانند، اما در حقیقت کافرتر از کفاری هستند که باید برای نابودی آنان کوشید و فساد آنان را از روی زمین برچید!

فصل چهارم: نقد و بررسی اجماع مسلمانان^۲

دلیل ابن تیمیه در قطعی بودن ادله نقلی، ادعای اجماع قطعی بر معتبر دانستن ادله نقلی و ظاهرگرایی در بحث صفات خبری است. از این رو نویسنده در این فصل به نقد و بررسی اجماع مسلمانان پرداخته است.

مؤلف ابتدا سندی روایی صفت صورت^۳ را بررسی کرده و معتقد است که این حدیث اگرچه در منابع حدیثی آمده، لکن اعتبار سند حدیث، اختلافی است؛ چراکه برخی همچون مالک، ابن خزیمه، مازری و البانی به اشکالات سندی حدیث تصریح دارند.^۴ بنابراین از دیدگاه نویسنده، ادله نقلیه ابن تیمیه حتی ادله ظنی هم نیستند. دلالت حدیث نیز از دیدگاه مؤلف قطعی نیست؛^۵ چراکه اکثریت مسلمانان از جمله سلف

۱. ص ۱۲۱.

۲. ص ۲۱۸-۱۶۱.

۳. «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَةِ»؛ خداوند، آدم را بر صورت خویش آفریده است.

۴. ص ۱۶۴.

۵. ص ۱۶۷.

و بزرگان اهل سنت برخلاف آن هستند، و بلکه حتی اهل حدیث نظیر مالک بن انس و ابن خزیمه نیز بر تفسیر ابن تیمیه اتفاق نظر نداشته و بر اشکالات روایت تصریح کرده‌اند. نتیجه سخن نویسنده این است که ادله ابن تیمیه قبل از آن که ادله دینی باشد، استنباط‌های شخصی او بوده و مبتنی بر مقدماتی است که از نظر اکثر مسلمانان نادرست است. از این رو ادعای قطعیت این ادله و به استناد آن، ایمان به خدای بشرگونه و متهم کردن مخالفان به کفر و نفاق، نه شواهد تاریخی و نه مبانی منطقی دارد و نه مبانی منطقی و معرفتی ابن تیمیه با آن سازگار است. به لحاظ تاریخی دیدگاه و تفسیر ابن تیمیه برخلاف دیدگاه اکثریت قاطع مسلمانان است و از لحاظ معرفتی نیز گرفتار تناقضاتی است. مؤلف در پایان نتیجه می‌گیرد که وقتی حدیث صورت با همه اهمیتی که دارد، گرفتار چنین مشکلاتی است، صفات دیگر گرفتار مشکلات بسیار بیشتری خواهد بود.

فصل پنجم: بررسی امکان تحقق و ارزش اجماع صحابه^۱

نویسنده در این فصل با فرض پذیرش ادعای اجماع ابن تیمیه، آن را زمانی ارزشمند می‌داند که به اجماع همه صحابه منتهی شود؛ لکن تحقق چنین اجماعی را به چند دلیل غیرممکن می‌داند:

۱. کثرت صحابه: تعریف صحابه از منظر ابن تیمیه این است که هر کس هرچند برای لحظه‌ای پیامبر ﷺ را دیده باشد یا با ایشان صحبت کرده باشد، به وی صحابه اطلاق می‌شود. با توجه به این تعریف، مؤلف تعداد صحابه را کثیر می‌داند؛ لذا امکان اجماع آنان را غیرممکن دانسته است.

۲. پس از پیامبر ﷺ صحابه به دلیل فتوحات بسیار، پراکنده شدند؛ لذا دسترسی به سخنانشان ممکن نیست.

۳. از نظر مؤلف اختلافات صحابه با یکدیگر و اختلافاتشان با پیامبر ﷺ در منازعات صحابه مشهود است.

۴. جنگ‌های صحابه با یکدیگر، مانند جمل، صفین، و نهروان.

۱. ص ۲۶۸-۲۱۷.

۵. هیچ نقلی از صحابه و تابعین در خصوص اجماع فوق وجود ندارد؛ چنان که ابن تیمیه تصریح کرده است.^۱

۶. رویکرد تابعان و مفسران سده‌های بعد، نشانه خوبی بر عدم التزام صحابه به ظاهرگرایی است.

۷. صحابه به استناد آیات صریح در تنزیه و نفی مشابَهت و مماثلت و به کمک روایات نبوی، طرفدار تنزیه بودند؛ همان گونه که تأویل‌های قطعی برخی از مهم‌ترین صحابه و تابعان قابل انکار نیست؛ چنان که ابن تیمیه نیز به تأویل مشهور ابن عباس در آیه ۴ سوره قلم تصریح کرده است.^۲

نویسنده در ادامه بیان کرده است که ابن تیمیه در راستای تحقق اجماع مذکور، به اجماع سلف اشاره کرده است؛ لکن بسیاری از بزرگان اهل سنت مانند ابوحنیفه، ابن حزم و غزالی معتقدند که فهم سلف حجیت ندارد؛ بلکه ابن تیمیه نیز ملزم به طرفداری از سلف و حتی اجماع آنان نبوده و در عمل مطیع آنان نیست.^۳

نویسنده در پایان به این نتیجه می‌رسد که هیچ دلیل گویا و روشنی برای تشبیه و تجسیم سلف وجود ندارد؛ بلکه دلیل روشن بر نادرستی اعتقاد به تشبیه وجود دارد. لذا مخالفت مخالفان ابن تیمیه نه با آیات و نصوص بلکه حتی با ظواهر دینی هم نیست. مخالفت آنان تنها با عقاید و فهم دینی گروهی از مسلمانان عوام‌اندیش است و این مخالفت به استناد ادله عقلی و همان نصوص ناظر به تنزیه است. در نتیجه، همان طور که خداشناسی آنان عقلی است، دینی نیز هست.

فصل ششم: بررسی ادله اجماع^۴

نویسنده در ابتدای این فصل بیان می‌کند که از دیدگاه ابن تیمیه اجماع نمی‌تواند در کنار کتاب و سنت، دلیلی مستقل و بی‌نیاز از اثبات باشد. از این رو مدعیان اجماع باید به دنبال

۱. ص ۲۴۰.

۲. ص ۲۴۵.

۳. ص ۲۶۳.

۴. ص ۳۰۸-۲۶۹.

مبنای قطعی و منصوص برای آن باشند؛ همان‌گونه که به اعتقاد آنان مبنای تمام عقاید و احکام الهی نص است. لذا نویسنده در ادامه به بیان مبنای حجّیت و مشروعیت اجماع از نگاه ابن تیمیه پرداخته^۱ و استدلال‌های وی مانند ادله نقلی و عقلی را بیان و آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

مؤلف اجماع ابن تیمیه را مورد نقدهای متعدد قرار داده است؛^۲ ازجمله این که ابن تیمیه معیار و مستند اهل حدیث را نصوص دینی دانسته است؛ لکن نه تنها هیچ نص قرآنی برای برخی از صفات پیدا نمی‌کند، بلکه نصوص تنزیه برخلاف آنها می‌باشد.

فصل هفتم: بررسی دیدگاه ابن تیمیه درباره مجاز^۳

یکی از دلایل مهم ابن تیمیه بر عدم مشروعیت به کارگیری ادله عقلی، انکار مجاز است؛ لذا مؤلف در این فصل به تبیین سخنان و بررسی دلایل وی پرداخته است. ازجمله آنها ذکر پیشینه و قدمت مجاز در سده‌های نخستین و بلکه زمان نزول قرآن است؛^۴ درحالی که ابن تیمیه مدعی است مجاز در قرن چهارم توسط متکلمان معتزله به وجود آمده است.

به باور نویسنده، ابن تیمیه تنها در ظاهر مجاز را انکار کرده، ولی در واقع به آن ملتزم نبوده است؛^۵ چنان که نمونه‌های فراوانی از سخنان وی این حقیقت را ثابت می‌کند؛ ازجمله آنها پذیرش تقسیم الفاظ به حقیقی و مجازی، پذیرش مجاز لغوی و مجاز عقلی در قرآن می‌باشد. دوگانگی نظر ابن تیمیه در این مسئله، از نگاه نویسنده دلایلی دارد که در ادامه به تبیین آنها پرداخته است.^۶

فصل هشتم: نقد و بررسی دیدگاه ابن تیمیه درباره عقل^۷

نویسنده در این فصل به نقدهای ابن تیمیه بر میزان ارزش ادله عقلی پرداخته و نتیجه

۱. ص ۲۷۰.

۲. ص ۲۸۴.

۳. ص ۳۵۳-۳۰۹.

۴. ص ۳۱۹.

۵. ص ۳۳۱.

۶. ص ۳۴۵.

۷. ص ۳۸۵-۳۵۴.

سخنان وی را عدم مشروعیت تقدیم ادله عقلی بر ادله ظنی ذکر کرده است.

مؤلف ابتدا دیدگاه ابن تیمیه درباره دسته‌بندی عقل را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که این تفکیک نه تنها از لحاظ منطقی نادرست است، بلکه حتی خود ابن تیمیه نیز به آن ملتزم نمی‌باشد. بنابراین از منظر نویسنده، تلاش ابن تیمیه برای دسته‌بندی عقل و محدود کردن احکام آن پذیرفتنی نیست.

مهم‌ترین استدلال ابن تیمیه بر بطلان ادله فلسفی، اختلاف فیلسوفان است؛ لذا ابن تیمیه با اتکا بر این ادعا نتیجه گرفته است که شیوهی مخالفان او در تقدیم ادله عقلی بر ادله ظنی نیز باطل است.^۱

نویسنده در پاسخ به علت ریشه‌یابی اختلافات فیلسوفان پرداخته و دلیل باطل بودنشان را بشری بودن آنها دانسته است؛ چراکه هر آنچه بشری باشد، در معرض بطلان قرار دارد؛ همان‌گونه که بسیاری از آرای فیلسوفان و متکلمان نه تنها استعداد بطلان را دارند، بلکه حقیقتاً ابطال شده‌اند.

مؤلف سپس اختلاف فیلسوفان و متکلمان را نتیجه‌ی اختلاف در فهم‌ها و تفسیرهایشان بیان کرده و آن را لازمه طبیعت انسان‌ها شمرده است. در ادامه، نقدهای متعددی به استدلال ابن تیمیه ذکر کرده است؛ از جمله این که ابن تیمیه به بهانه اختلاف دیدگاه مخالفان خود، بطلان همه آنها را نتیجه گرفته است؛ درحالی که اگر اختلاف آنان اختلاف تضاد است، ناگزیر یکی از آنها حق است. نویسنده به ادعای اصلی ابن تیمیه در حد وسط بودن دیدگاهش نیز پرداخته و مدعا و دلایل وی را نقد کرده است.

فصل نهم: مشروعیت به کارگیری ادله عقلی^۲

نویسنده در بحث صفات خبری، تقدیم عقل بر نقل را لازم دانسته و آن را با توجه به مقدماتی تبیین کرده است:

۱. تلازم میان ادله نقلی و تشبیه: مؤلف نتیجه پیروی از ظواهر را تشبیه و تجسیم

۱. ص ۳۶۸.

۲. ص ۳۸۶-۳۳۵.

پروردگار دانسته و اعتراف ابن تیمیه را در این خصوص ذکر می‌کند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که اگر بخواهد سلف را ظاهرگرا بداند، لازمه‌اش اتهام سلف و راویان حدیث به تشبیه و تجسیم است؛ مگر این که بگوید آنان خود این احادیث را باور نداشتند و یا انتساب روایات را به آنها دروغ بخواند؛ همان گونه که معروف است این احادیث خاستگاه یهودی دارد.

۲. لزوم تأویل ظواهر صفات:^۱ نویسنده بیان می‌کند که چنین تشبیهی برای هیچ مسلمانی پذیرفته نیست؛ تا جایی که حتی ابن تیمیه نیز «تشبیه کامل» را به «تشبیه نیمه» تفسیر و تأویل می‌کند و تشبیه و تجسیم را به گونه‌ای بیان کند که مستلزم شرک باطل نباشد. مؤلف نمونه‌هایی از سخنان ابن تیمیه را در این باره ذکر کرده است.

۳. اطلاق و عمومیت آیات تنزیه:^۲ نویسنده راه‌های تأویل و توجیهات ابن تیمیه را در این مسئله بی‌اساس می‌داند؛ چراکه عمومیت آیات تنزیه صراحت در نفی مشابَهت کامل دارد. از این رو نمی‌توان سخنان ابن تیمیه را پذیرفت. نویسنده در ادامه به بیان برخی مشکلات تأویلات ابن تیمیه پرداخته است؛ از جمله آن‌ها نبود دلیل نقلی بر تأویلات می‌باشد.^۳

مؤلف سپس به تصریحات ابن تیمیه بر تقدیم عقل بر نقل در بحث صفات خبری اشاره می‌کند و می‌نویسد: از آن‌جا که نیاز انسان به معقولات یک امر گریزناپذیر و حتمی است، لذا ابن تیمیه ناگزیر شده در موارد متعدد به عقل و احکام آن مراجعه کند و ادله عقلی قطعی را بر نقل ظنی مقدم کند.

نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که ابن تیمیه افزون بر مشروعیت تقدیم ادله عقلی بر ادله نقلی، به صورت موجهه‌ی جزئی در بحث صفات، به تقدیم عقل بر نقل، و لزوم تأویل ادله نقلی نیز اعتقاد دارد.

۱. ص ۳۹۶.

۲. ص ۳۹۹.

۳. ص ۴۰۲.